



نام درس: دنا و دانش ادبی

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: مجاز (۲)

پایه: هفتم-هشتم

مقطع: متوسطه ۱





علائق مجاز

همان طور که پیش تر اشاره کردیم باید رابطه و پیوندی وجود داشته باشد تا به ما بفهماند که واژه در معنی اصلی خود به کار نرفته است. در ادامه معروف ترین و پرکاربردترین علاقه های مجاز را معرفی می کنیم.

علاقه ی کلیت و جزئیت

اگر کل چیزی را بگوییم و منظورمان جزئی از آن باشد یا بالعکس.

سرم درد می کند. سر، یک کلمه ی کلی است اما منظور ما پیشانی است که جزئی از سر است. (**سر مجاز از پیشانی**)

سرم را تراشیدم. سر، یک کلمه ی کلی است اما منظور ما مو است که جزئی از سر است. (**سر مجاز از مو**)

برای تازه در گذشته **الحمد** خواندند. الحمد، جزئی از فاتحه (کل) است. (**الحمد مجاز از فاتحه**)

نظامی: به یاد روی شیرین **بیت** می گفت بیت، جزئی از شعر (کل) است. (**بیت مجاز از شعر**)





علاقه ی حال و محل

اگر محتوای داخل چیزی را بگوییم یا محل آن مورد نظر باشد یا محل را بگوییم و محتوای آن مورد نظر باشد.

همه ی **عالم** از دست او شکایت دارند. عالم محل است و منظور ما مردم عالم است. (**عالم مجاز از مردم**)

یک **شهر** به پیشواز او رفت. شهر محل است و منظور ما مردم شهر است. (**شهر مجاز از مردم**)

یک **چای** به من بده. چای داخل لیوان است و منظور ما لیوان چای است. (**چای مجاز از لیوان**)

حوض یخ بست. آب داخل حوض یخ بست. (**حوض مجاز از آب**)





علاقه ی علّت و معلول

اگر ما علت و معلول را به جای یکدیگر به کار ببریم.

دست روزگار که دست علت داشتن قدرت است. (**دست مجاز از قدرت**)

بهار همه جا را سبز کرد. علت در این جا خداوند است و بهار معلول (**بهار مجاز از خداوند**)

آب را ببند. علت در این جا شیر آب است و آب معلول (**آب مجاز از شیر آب**)

به این نوع علاقه، علاقه ی سببیت یا سبب و مسبب هم می گویند.





علاقه ی آلیّت

عضوی از بدن گفته شود و منظور، کار آن عضو باشد.

دهان گرمی دارد. (دهان مجاز از گفتار است) چشم تیزی دارد. (چشم مجاز از نگاه)

گوشش خوب کار می کند. (گوش مجاز از شنوایی)

علاقه عام و خاص

یک واژه ی خاص را به کاربردیم و منظورمان یک واژه ی عام باشد یا برعکس.

مثلا به همه ی تشک ها بگوییم خوش خواب. (خوش خواب مجاز از تشک)

یا به همه ی شوینده ها بگوییم تاید. (تاید مجاز از شوینده)

عراقی ها می گویند... یعنی صدام می گوید (عراقی ها مجاز از صدام)





علاقه ی ماکان و مایکون

ماکان و مایکون یعنی آن چه بوده و آن چه خواهد بود.

یک مشت خاک در برابر خدا چیزی نیست. انسان در آغاز یک مشت خاک بوده. (خاک مجاز از انسان)

کسی به دانشجوی پزشکی بگوید **دکتر!** دانشجوی پزشکی در آینده دکتر خواهد شد. (دکتر مجاز از دانشجو)

علاقه جنس

به جای خود واژه، جنس آن گفته شود.

از امروز این **آهن پاره** را سوار نشو. جنس ماشین از آهن است. (**آهن پاره** مجاز از ماشین)

این **کاغذ پاره ها** به درد آن دنیا نمی خورد.

(**کاغذ پاره** مجاز از پول)





علاقه ی تضاد

اگر واژه ای در معنای ضد آن به کار برود.

به ابله و نادان بگوییم **نابغه!**

(نابغه مجاز از ابله)

به فرد ناتوان و ضعیف بگوییم **رستم!**

(رستم مجاز از فرد ضعیف)

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم

این درخت علم باشد ای **علیم**

(علیم مجاز از نادان)

علاقه ی شباهت

اگر واژه ای بخاطر شباهت با واژه ی دیگر به جای آن استفاده شود. که پیش تر گفتیم این نوع مجاز هنری ترین و ادبی ترین نوع مجاز است و استعاره نامیده می شود.

سران لشکر آمدند. رؤسا: مشبه

سران: مشبه به

(سران استعاره از رؤسا)

پولک های نقره ای در آسمان شب درخشیدند.

(پولک های نقره ای استعاره از ستارگان)





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>